

## اوسیای ارسطو و ترجمه آن به «گوهر» و «عین»

حمید خسروانی<sup>۱</sup>، حمیدرضا محبوبی آرانی<sup>۲</sup>

### چکیده

اوسیای ارسطو در ورود به ایران باستان و جهان اسلام نیز بهمان سرنوشت خود در غرب دچار شد. همانگونه که در غرب از میان آنهمه معادل و حتی معادلهای درستتر، واژه substance در متون فلسفی تثبیت شد، در جهان اسلام نیز معادلی هم‌معنا با substance، یعنی جوهر که معرب گوهر است، مورد پذیرش عموم واقع شد. در ترجمه‌های قبل و بعد از دوران ترجمه در دارالترجمه بغداد، واژه‌هایی همچون عین، اینیت، هویت، بودش و... نیز وجود داشت که تقریباً معنای حقیقی اوسیای مورد نظر ارسطو را میرساند؛ زیرا اوسیا از فعل to be اخذ شده و اساساً بمعنی موجود، عین یا being است، اما سرنوشت با جوهر و substance یار بود. قسمتی از برتری این نگاه جوهرنگرایانه (substantialism) -چه در غرب و چه در شرق- وابسته به ترجمه‌های اولیه‌یی بود که از آثار ارسطو انجام شده است. این مقاله میکوشد ابتدا سرنوشت اوسیای ارسطو هنگام ورود به ایران و جهان اسلام را بررسی کند، آنگاه از ارتباط معانی معادلهای بکار برده شده در جهان اسلام با معانی معادلهای آنها در غرب، سخن بگوید.

۴۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۱۴ نوع مقاله: پژوهشی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه است.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده

مسئول)؛ h.khosravani@modares.ac.ir

۲. استادیار گروه فلسفه و حکمت و منطق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران؛ h.mahboobi@modares.ac.ir



کلیدواژگان: اوسیا، گوهر، جوهر، عین، موجود، هستی، ذات.

\*\*\*

## مقدمه

واژه جوهر که در متون اولیه فلسفی مسلمانان، یعنی از زمان فارابی تاکنون، بعنوان یک مفهوم فلسفی نقشی پررنگ در سنت فلسفه اسلامی داشته و در زبان انگلیسی معادل substance برای آن انتخاب شده، از واژه یونانی ousia گرفته شده است. اگر ریشه اوسیا را تا یونان باستان دنبال کنیم، چه در عرف و چه در متون فلسفی یونان باستان، معنایی مخالف معنای مصطلح در میان فلاسفه مسلمان داشته است. این واژه در عرف مردم یونان بمعنای ملک یا اموال و دارایی که به شخصی خاص تعلق داشت، بکار میرفت: «در گویش یونانی آتیکی بعنوان واژه‌ی متداول در محاوره عمومی، معنای دارایی، ملک یا مایملک، بخصوص، زمین ملکی و مستغلات روستایی را داشت» (ریتر و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۸). کلمه اوسیا زمانی بکار میرفت که مردم بخواهند در میان کثرات بدنبال وحدت باشند یا در میان کثراتی که در ظاهر با هم ارتباطی ندارند، یک اصل واحد یا وحدتی که آنها را با هم مرتبط میکند، بیابند: «اسم جمع ousia در زبان محاوره، همیشه دلالت بر وحدت یک کثرت دارد، مانند دارا بودن املاکی متعدد که متعلق به یک شخص باشد» (همانجا). کاربرد فلسفی اوسیا نیز بطور مشخص، نخست در زبان افلاطون شکل گرفت که آن را بمعنای وجود، کلی و امور ثابت بکار گرفت.

بعدها این واژه با دو مفهوم متفاوت از هم، به زبان فلسفی ارسطو نیز راه پیدا کرد و هردو منجر به ایجاد اختلاف دیدگاهها در نگرش به واقعیت گردید. یکی از آنها بمعنای being است که ریشه لغوی آن فعل (to be) است؛ دیگری بمعنای زیرلایه متافیزیکی هر شیئی است که بواسطه عقل فهم میشود، که بعدها معادل substance در برابر آن قرار گرفت. این دو تلقی از واقعیت که در

۴۲

